

((چهارم و پنجم امرداد ماه سالروز درگذشت

شاهان پهلوی))

چهارم امردادماه پنجاه و نهمین سالروزدرگذشت رضاشاه کبیر؛ مردسرنوشت سازایران بود. مردیکه دشمنان سوگندخورده اش؛ که گمان میکردندباویران کردن آرامگاهش میتوانند نقش وی را برای همیشه ازچهره ایران بزدایند؛ ولی امروزبیش ازهروقت سنگینی شبیح اورا احساس میکنند. وپنجم امردادماه ۲۳سال ازدرگذشت محمدرضاشاه پهلوی آخرین پادشاه ایران میگرددونزدیک به دوماه نیزازچهاردهمین سالروزدرگذشت روح اله خمینی؛ نخستین ولی فقیه تاریخ ایران گذشت. ازدیدگاه تاریخ مهم نیست که دفتراین دوزندگی؛ کجا وبه چه صورت بسته شده باشد؛ زیراکه بهرتقدیراین دفتردیرویاژودبسته میشد.

صدای محمدرضاشاه اگرهم درغربت وقاهره خاموش نشده بود؛ درروی تخت طاوس خاموش میشدوصدای خمینی نیزاگردرجماران فرونشسته بود؛ درنجف عراق فرومینشست ودرهردوصورت امروز؛ این هر دو مقیم همان دیارخاموشانی بودندکه پیش ازآنان هزاران سالگان دیگری رخت بدان کشیدندودرچنین دیاری؛ میان شاهان وفقیران وفقیهان؛ ستمگران وستم دیدگان؛ توانگران ومستمندان؛ نشانی ازپستی هاوبلندیهای این جهان درکارنیست؛ آنچه که درکارنامه تاریخ واقعااززندگانی اینان ثبت میشود؛ ترازنامه ایست که ازاین زندگی بر جای میماندواقلام سودوزیانی است که این ترازنامه دربردارد.

سالروزهای درگذشت این دو؛ یکی درشرایطی برگذارشدکه جانشینان ضحاک ولی فقیه او راکه درکارنامه حدود ۱۱سال حکومتش جزمرگ وخون وویرانی وفریب وشکست نمیتوان یافت؛ اززعامت پیامبرگونه اش درزیرگنبدمقبره اش که باپول فقیران طلاپوش شده است سخنهاگفتند؛ وسالروزدرگذشت دیگری؛ همچنان درخاموشی وتنهائی درگوشه ای ازیک مسجد قاهره که بخواب جاودان رفته است.

۲۳سال پس ازمرگ محمدرضاشاه پهلوی؛ حق داوری نهائی درباره اوباتاریخ است وداوری تاریخ معیارهاوضوابطی دارد؛ جداازکینه توزیهاوعده ها؛ قضاوت وداوری تاریخ برمبنای جمع وتفریق نهائی ترازنامه کاریک رهبرصورت میگیردونه برمبنای مواردخاص؛ در آنصورت ورای موج افتراهاوتهمتهاودشمنها؛ به روشنی مشخص خواهدشدمردیکه تاسال ۱۳۵۷خورشیدی رهبری ایران رابه عهده داشت یکی ازبهترین پادشاهان تاریخ ایران بودکه بپی ریزی اقتصاد وآموزش پیشرفته کوشش کردتاملت ایران راقدم به قدم ازجهان آدم های درجه دوم بیرون بیاوردوعملادرمسیرحقیقی همدوش

باشرق و غرب هدایت کند. بطوریکه پول کشورمان ایران از سال ۱۳۵۳ خورشیدی تاهنگام باصطلاح انقلاب یکی ازده قدرت اقتصادی اول جهان درمیان ممالک عضو صندوق بین المللی پول به شمارمیامد؛ ونام ایران در فهرست ده کشور معتبر جهان در فاصله سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ میلادی بود و کشورمان ایران مقام نهم را داشت .

سالروز درگذشت محمدرضا شاه یکباردیگر یاد بزرگمردی از تاریخ کشورمان را در دلمان بیدار میکند که بطور یقین یکی از ابرپادشاهان سه هزار ساله این تاریخ است؛ زیرا در میان ۴۴۶ پادشاهی که از آغاز دوران مادها تا پایان عصر پهلوی در ایران سلطنت کرده اند؛ او یکی از چهار پادشاهی است که در مقام سازنده ترین شاهان تاریخ ایران در کنار داریوش هخامنشی و انوشیروان و شاه عباس جای گرفته است .

او در مقام معمار بزرگ ایران نو؛ کشوری از هر جهت عقب مانده را که پدرش در بدترین شرایط ضعف و فقر و انحطاط تحویل گرفته بود؛ بصورت یکپارچه و منظم و پیشرو و تنهادر مدت زندگی یک نسل بمقام موفق ترین کشورهای جهان سوم بالابرد .

ایران برای محمدرضا شاه همه چیز بود و برای کسانی که با کمک و همدستی این باصطلاح روشن فکران و ملی گرایان و کمونیست و چریک و مجاهد و کنفدراسیونهای خفه شده؛ قدرت را بدست گرفتند؛ هیچ !! آندسته از کسانی که میگفتند او برود؛ حاضرند همسرانشان گونی بر سر کنند؛ یا اسمشان در اسناد لانه جاسوسی از سفارت آمریکا درآمده است و یا خودشان در برابر دوربینهای تلویزیونی اعتراف کرده اند و یا آواره کوه و بیابان شده اند و نان نوکری خارجیان را میخورند و یا سیاست بازان جاه طلبی که پس از یک عمر منفی بافی و دروغ پردازی همراه با آخوند و ملام بقدرت رسیدند؛ امانتیجه ای جز رسوا کردن خویش نگرفتند .

آقای میتران رئیس جمهور پیشین فرانسه میگوید: انقلاب ایران یکی از بزرگترین عملیات - انتحاری تاریخ یک ملت بود. کاری که در ایران انجام گرفت؛ یک خودکشی دسته جمعی بود؛ هیچ ملتی رانمی بیند که بادست خودش گور خود را کنده باشد و ما کندهیم و همه دستاوردهای سازندگی عصر پهلوی را به نابودی کشیدیم .

پنجم امرداد ماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی ؛ محمدرضا شاه پهلوی ۳۴ سال و یکروز پس از درگذشت پدرش دیده از جهان فرو بست. نه تنهادر شمنانی بسیار؛ بلکه دوست نمایانی نیز پیوسته کوشیده اند تا وی را مجری سیاستهای آمریکا بخوانند؛ همچنانکه کوشیده شده بود تا پدرش را مجری سیاست انگلستان بدانند. امروزه اسناد سیاسی محرمانه همین ابرقدرت آمریکا؛ مانند اسناد محرمانه

همان ابرقدرت انگلستان؛ بسیاری از واقعیت‌ها روشن کرده و این واقعیت‌ها درست برخلاف آنستکه ادعا شده بود. هنوز صدای مهدی بازرگان اولین نخست وزیر حکومت من درآوردی ولایت فقیه ظنن اندازاست که صراحتاً گفت: اگر آمریکایی‌ها کمک نمی‌کردند؛ انقلاب ماهیچوقت پیروز نمیشد.

پادشاه فقید ایران در بخشی از وصیتنامه خود چنین می‌گوید:
"توصیه می‌کنم که پس از نجات کشورم؛ جسد من در گورستان شهیدان جان باخته وطن دفن شود من در این دقایق واپسین با وجود تلخی زهر آگین مرض جانکاه؛ خاطرات ایران عزیز را که به آن عشق می‌ورزم؛ مرور می‌کنم و افق زیبای وطنم را در برابر دیدگان دارم. خاطرات شالیزارها و کرانه‌های دریای خزر و مرغزارهای دیلم؛ خاطره‌های پربرف دماوند و سبلان و آذربایجان؛ خاطره کوهستانهای سبز و خرم زاگرس کردستان و هامونهای عریان بلوچستان؛ خاطره اروندرود و خوزستان و هیرمند سیستان؛ دشت ارژن فارس و حاشیه سوزان خراسان و کرمان؛ شهرکهای استانیهای ساحلی خلیج فارس و خاطره کوچ‌های عشایر دلیرو فداکار. بطور کلی با اندیشه به همه گوشه و کنار آن سرزمین مقدس و مردم پرتلاش و ظنم؛ چشم از جهان فرو می‌بندم. به یاد داشته باشیم که صفحات تاریخ ما لحظات پرافراز و نشیب در خود دارد. حمله اسکندر و هجوم مغول نیز نتوانستند مشعل فرهنگ و تمدن باستانی ایران را خاموش کنند؛ مطمئن هستم که شعله‌های فروزان این تمدن برای این سیاهی اندوه‌بار نیز چیره خواهد شد و یک رستاخیز ملی افتخارات نسل حاضر را در تاریخ درخشان ایران ثبت خواهد کرد."

فرمان می‌دهم و از شما فرمان‌گذاران و فامند چنین می‌خواهم که پس از درگذشت من جسد مرا بدون تابوت و مومیائی در وطنم بخاک بسپارید تا هر چه زودتر اجزاء وجود من با ذرات خاک و ظنم ممزوج گردد.

هم میهن: ملتی که از فردای استقرار رژیم آخوندی در کشورشان با کمبود و جنگها و جنایتها و غارت‌های آن آشنا شدند و سربه آسمان برداشتند و گفتند و می‌گویند:

خدایامرز (نوربه قبرش ببارد)

مقایسه می‌کنند؛ این مقایسه ایست که یکی قرین رحمت خداوند می‌گردد و دیگری سزاوار لعنت ابدی.

محمدرضا شاه یک واقعیت سیاسی ایران امروز است. نماینده و سمبل تصویری خاص از گذشته و آینده مملکت است. تصویر او؛ تصویر ایران است. این تصویر را مردم کشورمان با تصویری که تروریست‌های شرقی و غربی عرضه می‌کنند؛ مقایسه می‌کنند.

مقایسه میکنند میان مردی که به هنگام ورود به ایران در پاسخ خبرنگار که پرسید:

چه احساس میکند؟ **جواب داد هیچ!!**

داوری مردم درباره محمد رضا شاه از همان فردای پیروزی تاریکی بر روشنائی؛ داوری که در اصطلاح ساده خدایا مرز خلاصه میشود؛ جزو خاطرات مشترک ملی ما شده است .

روانش شاد و یادش گرامی باد

حمید- منصورى

۲ جولای ۲۰۰۳